



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

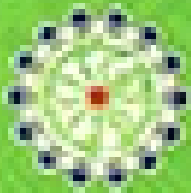
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



در مکتب اهل بیت

جلد ۵

از دواج موقت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از دواج موقت

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ازدواج موقت
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۳	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۷	مقدمه اقسام ازدواج در اسلام
۲۷	اشاره
۲۷	۱- ازدواج دائم
۲۷	۲- ازدواج موقت
۲۸	نکات سه گانه
۲۸	نکته اول: ازدواج موقت در کتاب و سنت:
۲۸	اشاره
۲۹	الف: قرآن کریم:
۳۱	ب: نصوص و روایات
۳۳	نکته دوم: آیا حکم ازدواج موقت نسخ شده؟
۴۱	نکته سوم: موضعگیری صحابه و تابعین درباره ازدواج موقت
۴۵	آیا متعه همان زنا است؟!
۴۷	نتیجه گیری
۴۸	درباره مرکز

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قراردادی: زواج المتعه فی الشریعه الاسلامیه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: ازدواج موقت [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ مترجم محمد امینی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۱ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۵.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۵-۹

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: متعه

موضوع: متعه -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: امینی، محمد، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۱۸۹/۴:ب۹۳۵:۹۰۴۱:۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۷۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

ازدواج موقت

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات

عبدالکریم بهبهانی

مترجم محمد امینی

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۴

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳..

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱..

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران امت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیّت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!؟!!

۲- اعتقاد به امام مهدی(عج) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و ...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان....

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (عج) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است!؟

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۳ - ۱۰- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر).

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

«ازدواج در اسلام» به دو شکل صورت می گیرد.

۱- ازدواج دائم

از آن به عنوان بهترین چیزی که اسلام آن را بنا نهاده نام برده می شود و این اولین راه حلّ شرعی برای ازدواج است.

۲- ازدواج موقت

در واقع «ازدواج موقت» برای افرادی است که قادر به ازدواج دائم نیستند و یا قادرند، ولی به دلایل شرعی دیگر، تمایل به ازدواج موقت دارند. این ازدواج، عامل مهمی است که نمی گذارد جامعه به سوی گرداب مفسد زنا سوق بیابد.

ازدواج موقت از یک بُعد، مانند ازدواج دائم است؛ از قبیل: ارضای شهوت از راه حلال، حفظ و جدا سازی نسلها از یکدیگر و رعایت کردن مظاهر پاکدامنی و حیا در جامعه، ولی از بُعد دیگر و جهات فرعی، ازدواج موقت، آسان تر است که این امور ارتباطی با حقیقت ازدواج ندارد؛ مثلاً در ازدواج موقت، عقد، مهر، عده و وقت معین وجود دارد، ولی میراث و نفقه در آن وجود ندارد.

این نوع از ازدواج، از طرف شرع مقدّس با تصریح قرآن کریم و سنت مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اثبات رسیده است و در میان هیچ

یک از مسلمانان درباره شرعی بودن آن در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اختلافی وجود ندارد. تنها درباره آن گفته شده که: خلیفه دوم عمر بن خطاب آن را ممنوع ساخت! و برای آن مجازات تعیین کرد! و مکتب خلفا نیز از باب این که اعتقاد به حجیت عمل اصحاب دارند، از او تبعیت کردند، برخی از آنان نیز آن را به منزله نسخ حکم ازدواج موقت دانستند.

آنان برای توجیه موضعگیری او در برابر ازدواج موقت، دست به یک سری ادعاهای پراکنده زدند؛ مثلاً گفتند: حرمت و ممنوع بودن ازدواج موقت از زمان خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آغاز شد و قرآن آیه مربوط به ازدواج موقت را نسخ نمود.

از این رو، برای روشن شدن واقعیت این مسأله مهم شرعی، ناچاریم به سه نکته اشاره کنیم.

نکات سه گانه

نکته اول: ازدواج موقت در کتاب و سنت:

اشاره

همه مسلمانان اجماع دارند که این ازدواج، در دین اسلام، مشروعیت دارد و هیچ یک از عالمان مذاهب اسلامی - با همه اختلافاتی که دارند - در آن تردید نکرده اند. چه بسا اصل مشروعیت آن، از ضروریات دین اسلام باشد. قرآن کریم نیز بر مشروعیت آن دلالت دارد؛ همان گونه که اخبار و احادیث در مورد آن - حتی نزد قایلان به نسخ آن - متواتر است.

خدای تبارک و تعالی در سوره (نساء) آیه ۲۴ می فرماید:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً.

«زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید.»

ابی بن کعب، ابن عباس، سعید بن جبیر، ابن مسعود و سدی آیه شریفه را این چنین قرائت کرده اند:

(فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى).

«زنانی را که تا مدت معینی متعه می کنید.»

طبری، این مطلب را در تفسیر خود (جامع البیان فی توضیح القرآن) ذیل آیه شریفه نقل کرده و زمخشری در الکشاف این قرائت را از مسلمات شمرده است. و همچنین فخر رازی در تفسیرش (التفسیر الکبیر) و نووی در شرح صحیح مسلم، در اول باب نکاح المتعه آن را نقل نموده است.

امام احمد بن حنبل در مسندش، ابو بکر جصاص در احکام القرآن، ابو بکر بیهقی در السنن الکبری، قاضی بیضاوی در تفسیرش، ابن کثیر در تفسیرش، جلال الدین سیوطی در الدر المنثور، قاضی شوکانی در تفسیرش و شهاب الدین آلوسی در تفسیرش، نزول این آیه را در مورد ازدواج موقت - باسندهایی که به افرادی مثل ابن عباس، ابی بن کعب، عبد الله بن مسعود، عمران بن حصین، حبيب بن ابی ثابت، سعید بن جبیر، قتاده و مجاهد می رسد - تأیید کرده اند.

گفتنی است که تفسیر این آیه در مورد ازدواج دائم - هر چند آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی و شیخ رشید رضا در تفسیر المنار، بر آن پافشاری نموده اند - به دلایل زیر امکان ندارد:

۱ - همان گونه که اشاره شد، تعدادی از صحابه آیه شریفه را این گونه قرائت کرده اند: *فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ - اِلَىٰ اَجَلٍ مَّسْمًى - فَمَا تَوْهَنُنَّ اُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً*. اضافه جمله توضیحی «إلى اجل مسمی» که در وسط آیه آورده شده به منظور، بیان معنا، و مصداق و تفسیر آیه بوده است. این جمله توضیحی، جز با ازدواج موقت، با چیز دیگری تناسب ندارد.

۲ - هر چند کلمه (متعّه) را می توان در ازدواج دائم نیز استفاده کرد، ولی این کلمه بیشتر در «ازدواج موقت» ظهور دارد؛ همچنان که کلمه (نکاح) هر چند در ازدواج موقت نیز استفاده می شود، ولی بیشتر در «ازدواج دائم» ظهور دارد. وجود لفظ «متعّه» در آیه شریفه کمک می کند که آن را در باره «ازدواج موقت» بدانیم؛ نه ازدواج دائم.

بر فرض، ظهور این کلمه در ازدواج موقت بیشتر از ظهورش در ازدواج دائم نباشد، حدّ اقل باید دلالت آن را بر ازدواج موقت پذیرفت. در این صورت از الفاظ مشترک که ای خواهد بود که در بیش از یک معنا استعمال شده است.

۳ - این آیه در سوره نساء آمده است که با بیان ازدواج و ازدواج دائم شروع شده و احکام آن در آیات ۳، ۴ و ۲۳ - ۲۰ ذکر شده است، پس

اگر مراد از (متعّه)، همان ازدواج دائم باشد؛ این آیه نیز تکرار مطالب گذشته در اوّل سوره خواهد بود و قرآن کریم از تکرار های بی فایده مبرّا است.

۴- اگر (متعّه) به معنای ازدواج دائم باشد، پس منظور از «نسخ» چیست؟ آیا مراد از نسخ، نسخ حکم ازدواج دائم است؟ در این صورت ادّعی نسخ، مؤید این است که آیه (متعّه) به معنای ازدواج منقطع است، نه دائم.

ب: نصوص و روایات

اخبار و روایات در این زمینه فراوان است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- از جابر نقل شده است که گفت:

«ما در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، ابو بکر، «متعّه» می کردیم... سپس عمر آن را ممنوع کرد...» (۱).

۲- از ابن عباس نقل شده است که گفت:

«آیه متعه محکم است و نسخ نشده است» (۲).

۳- از جابر نقل شده است که گفت:

«در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، ابو بکر و تا نیمی از خلافت عمر، متعه می کردیم، سپس عمر مردم را از آن منع کرد» (۳).

ص: ۲۵

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۱۳۱/۴، چاپ مشکول؛ و مسند احمد: ۶ / ۴۰۵؛ فتح الباری: ۱۴۹ / ۹.

۲- (۲) - الکشاف: ۱ / ۴۹۸، چاپ بیروت؛ الغدیر: ج ۶ از تفسیر الخازن: ۱ / ۳۵۷.

۳- (۳) - بدایه المجتهد: ۲ / ۵۸؛ الغدیر: ۶ / ۲۲۳ و ۲۰۷..

۴- از حکیم و ابن جریح و افرادی غیر از آن دو نقل شده است که گفتند: «علی (رض) فرمود: اگر عمر متعه را ممنوع نمی کرد، جز (افراد) بدبخت (کسی) زنا نمی کرد». (۱)

۵- از ابن عمر در مورد متعه زنان سؤال شد، او گفت:

آن حلال است. سؤال کننده از اهل شام بود، به او گفت: پدرت آن را ممنوع کرد. ابن عمر گفت: (اگر پدرم آن را ممنوع کرده باشد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را انجام داده باشد، آیا ما سنت (پیامبر (صلی الله علیه و آله) را رها کنیم.

و از قول پدرم تبعیت کنیم؟! (۲)

۶- از عمران بن حصین نقل شده است که گفت:

«آیه متعه در کتاب خدا نازل شد، بعد از آن، آیه ای نازل نشد که آن را نسخ نماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را بدان فرمان داد، ما در زمان آن حضرت، متعه کردیم [ایشان] رحلت فرمود و ما را از آن نهی نفرمود. سپس مردی طبق نظر خودش هر چه خواست، فت. (۳)

۷- و بالاخره ابن جریح - علاوه بر آنچه افرادی غیر از او روایت نموده اند - هجده حدیث در مورد حلال بودن (متعه) روایت کرده است (۴).

ص: ۲۶

۱- (۱) - تفسیر طبری: ۹ / ۵؛ تفسیر فخر رازی: ۵۰ / ۱۰؛ الدر المنثور: ۱۴۰ / ۲.

۲- (۲) - الصراط المستقیم: ۲۶۹ / ۳؛ دلائل الصدق: ۹۷ / ۳.

۳- (۳) - صحیح بخاری: ۱۶۸ / ۲ و ۳۳ / ۲؛ صحیح مسلم: ۴۸ / ۴؛ سنن نسائی: ۱۵۵ / ۵؛ مسند احمد: ۴۲۶ / ۴ با سند صحیح.

۴- (۴) - نیل الأوطار: ج ۶، ص ۲۷۱ و فتح الباری: ج ۹، ص ۱۵۰..

بنابر این، احادیث و نصوص تأکید دارند که آیه کریمه دلالت بر حلال بودن ازدواج موقت (متعّه) و ادامه مشروعیت [و عدم نسخ] آن دارد و تحریم آن، تنها از طرف عمر بوده است، نه از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و جمعی از صحابه و تابعین و حتی پسر عمر - به رغم تحریم عمر - بر ادامه حلال بودن ازدواج موقت، اصرار ورزیده اند.

نکته دوم: آیا حکم ازدواج موقت نسخ شده؟

جمع زیادی از علمای مکتب خلفا برای توجیه موضعگیری خلیفه دوم عمر بن خطاب، به نسخ شدن آیه کریمه پناه برده اند و برخی از آنان گفته اند:

این آیه به وسیله قرآن، نسخ شده است.

و برخی دیگر گفته اند:

این آیه به وسیله سنت، نسخ شده است.

سپس هر دو گروه بر اساس اقوال پراکنده بین خود اختلاف کرده اند.

اما ادعای نسخ به وسیله قرآن کریم، گفته شده است که ناسخ آیه یادشده، آیه شریفه ذیل است:

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. (۱)

ص: ۲۷

«تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند * و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوز کردند».

پاسخ ادعای بالا این است که:

اولاً: این دو آیه مکی (۱) هستند، ولی آیه (متعه) مدنی (۲) است و آیه ای که زودتر نازل شده و مکی است، آیه بعد از خود را - که مدنی است - نسخ نمی کند.

ثانیاً: (متعه) یک نوع ازدواج است و زن متعه شده هم زوجه شخص می باشد؛ بنابراین، هیچ تعارضی بین این دو آیه و آیه متعه نیست تا این که نسخ آنها صحیح باشد.

و نیز گفته شده است که:

آیه عدّه (آیه شریفه فطلقوهن لعدتهن؛ آنان را برای عدّه شان طلاق گویند) نسخ کننده آیه متعه است؛ چون امر کردن به طلاق و حفظ عدّه، حکم متعه را - که در آن طلاق وعده نیست - نسخ می کند.»

پاسخ ادای یاد شده این است که:

ص: ۲۸

۱- (۱) - مشهور ترین اقوال در مورد آیات مکی این است که: آیاتی که پیش از هجرت نازل شده‌اند مکی هستند (الاتقان سیوطی نوع اول).

۲- (۲) - مشهور ترین اقوال در مورد آیات مدنی این است که: آیاتی که بعد از هجرت نازل شده‌اند مدنی نامیده می شوند (الاتقان سیوطی نوع اول)..

هر چند «طلاق» در ازدواج موقت استثنا شده است، ولی (عده) از آن مستثنا نیست و ما ثابت کردیم که ازدواج در اسلام به دو شکل است: دائم و منقطع. آیه طلاق، مخصوص ازدواج دائم است، نه ازدواج موقت؛ چون این ارتباط دائمی است که در صورت عارض شدن حادثه خاصی، احتیاج به اعلام پایان مدت ارتباط دارد، ولی ارتباط موقت نیازی به این اعلام ندارد بلکه چنین ارتباطی با پایان رسیدن وقت محدودش خود به خود به اتمام می رسد؛ بنابراین، انصراف آیه طلاق، به ازدواج دائم است و در آن، هیچ توجهی به متعه نشده است تا این که نسخ آن باشد.

ادّعی سوم: آیه ازدواج موقت به وسیله آیه «ارث» نسخ شده است؛ به این صورت که آیه «ارث» بین زوج و زوجه ارثی تعیین نموده است و چون در متعه بین زوج و زوجه ارثی وجود ندارد، پس آیه «ارث» نسخ آیه «متعه» می باشد.

پاسخ این ادعا نیز مانند ادّعی گذشته است؛ به این که بر طرف شدن بعضی از آثار یک چیزی، دلیل بر از بین رفتن موضوع آن نمی باشد؛ مثلاً «زوجه ناشزه» (۱) نفقه ندارد، امّا با توجه به این که نفقه از او برداشته شده، بازهم زوجه است و دیگر احکام و آثار زوجیت در مورد او جاری می شود.

ص: ۲۹

۱- (۱) - زنی که از اطاعت شوهر خود، خارج شود..

«زن کتابیه» (۱) نیز چنین است که اگر با مرد مسلمانی ازدواج کند، آن زن از شوهر مسلمانش ارث نمی برد، ولی نسبت به سایر احکام و آثار، بازهم زوجه است.

علاوه بر همه اینها تعدد ادعاهای نسخ، خود دلیل دیگری بر ثبوت آیه متعه است و شاهد بر این امر. اختلافات آنان در مورد زمان نسخ است.

در این رابطه برخی گفته اند:

«آیه متعه نسخ شده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سال فتح خیبر آن را ممنوع کرده است.» (۲)

گروهی گفته اند:

«در سال فتح مکه آن را ممنوع کرد.» (۳)

عده ای گفته اند:

«مباح بوده است، ولی در غزوه تبوک آن را ممنوع کرد.» (۴)

بعضی نیز گفته اند:

«در حجه الوداع مباح شد، سپس آن را ممنوع کرد.» (۵)

و برخی گفته اند:

ص: ۳۰

۱- (۱) - زنی که از پیروان یکی از ادیان آسمانی باشد که دارای کتاب الهی اند.

۲- (۲) - ر. ک: الغدیر: ۲۲۵/۶، الزواج الموقت سید جعفر مرتضی عاملی.

۳- (۳) - همان.

۴- (۴) - همان.

۵- (۵) - همان..

«مباح شد، سپس نسخ گردید، دوباره مباح شد، سپس نسخ گردید، دوباره مباح شد و سپس نسخ گردید و...» (۱)

قرینه های قطعی وجود دارد که عدم نسخ این آیه را می رساند و مهمترین آنها عبارت است از: تعدد ادعاهای نسخ، تا جایی که مسلم در کتاب صحیح عنوان باب ازدواج مؤقت را این چنین قرار داده است:

«باب نکاح المتعه و بیان أنه ایح ثم نسخ، ثم ایح، ثم نسخ واستقرّ تحریمه إلى یوم القیامه» (۲).

قرطبی در تفسیر خود، سخن ابن عربی را - که گفته است: (دو مرتبه نسخ شامل این حکم شد) - آورده است، سپس تعلیقه ای بر آن زده و گفته است:

«غیر از او افرادی بوده اند که احادیث مربوط به آن را جمع آوری نموده و گفته اند: آن، حکمی است که اقتضای هفت بار حلال شدن و حرام شدن را دارد».

آنگاه ادعاهای نسخ را برشمرده و گفته است:

ص: ۳۱

۱- (۱) - ر. ک: الغدیر: ۲۲۵/۶ والزواج المؤقت سید جعفر مرتضی عاملی.

۲- (۲) - ترجمه: باب ازدواج مؤقت و توضیح این که آن مباح شده، سپس نسخ شده، و سپس مباح شد سپس نسخ شده و حرمت آن تا روز قیامت پایدار مانده است (صحیح مسلم: ۱۳۰/۲، چاپ دار الفکر، بیروت).

«این هفت جایی است که در آن جا متعه حلال شده و سپس حرام گشته است» (۱).

ابن قیم جوزیه نیز نوشته است:

«به هیچ وجه در شریعت مثل این نسخ سابقه ندارد و مثل آن در شریعت واقع نشده است» (۲).

منظور از این ادعاها - آن هم - بعد از گذشت زمان صحابه چیست؟ چرا خلیفه دّوم برای تحریم ازدواج موقت به هیچ یک از این ادعاها استشهاد نکرده است؟ البتّه روشن است که اگر چیزی از این مطالب در دست او بود، حتماً به آن استشهاد می کرد.

در تاریخ آمده است: عمر در جنگ ابو بکر با «اهل رده»، (۳) احادیثی را که مانع جنگ با گویندگان شهادتین بودند، بر او عرضه نمود، پس چرا در این جا به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) تمسّک نجسته است؟ یا این که مدعیان این ادعاها از صحابه و خود عمر بن خطاب، نسبت به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عالم تر بوده اند؟!

خلیفه دّوم، بی نیاز از این استشهادها نبوده بلکه شدیداً هم به آن احتیاج داشته است؛ چون مسلمانان و در رأس آنان صحابه، این

ص: ۳۲

۱- (۱) - تفسیر قرطبی: ۵ / ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲- (۲) - زاد المعاد: ۲ / ۲۰۴.

۳- (۳) - کسانی بودند که بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دین برگشتند. (لغتنامه دهخدا)..

موضعگیری خلیفه را قبول نمی کردند و حتی آن را رد می کردند؛ چرا که آنان در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر، بدان عمل می نمودند و چنانچه نسخی وجود داشت، باید آشکار می شد.

علاوه بر آن، این ادعاها با سخن خود خلیفه دوم، تعارض دارد؛ چرا که او گفت:

«متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و أنا أنهی عنهما و اعاقب علیهما».

یعنی: «دو نوع متعه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وجود داشت و من آن دو را منع می کنم و بجا آورنده آن دو را کیفر می کنم».

پس اگر در این جا نسخی وجود داشت، آن را به زمان آن حضرت نسبت می داد، در حالی که به آن حضرت نسبت نداده است.

بنابراین، ادعاهای بیان شده درباره نسخ، با سخن خلیفه دوم تعارض دارد.

حادثه دیگری وجود دارد که حکایت نسخ را به رسوایی کشانده است. طبری در حوادث سال ۲۳ هـ. ق. روایت می کند:

«عمران بن سواده وارد بر خلیفه دوم شد و چیزهایی که مردم درباره آن صحبت می کنند - از قبیل اموری که عمر آن را پدید آورده و مردم از آنها ناراضی می باشند (از جمله تحریم متعه) - یاد آور شد و گفت: می گویند: تو متعه زنان را حرام کرده ای و حال آن که آن یک نوع تسهیل از جانب خداست. ما با یک مشت [پول] متعه می کردیم و تا سه

[روز] راحت بودیم. عمر در پاسخ او گفت: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن را در زمان ضرورت، حلال کرد، سپس مردم به گشایش (زندگی) روی آوردند، بعد از آن، نه کسی از مسلمانان را می شناسم که به آن عمل کرده باشد و نه بدان بر گشته باشد. الآن اگر کسی بخواهد، می تواند با یک مشت ازدواج کند و پس از سه روز (وبه وسیله طلاق) جدا شود و من درست گفته ام» (۱).

در این گفتگو خلیفه دوّم، بار دیگر تأکید می کند که این موضعگیری در مورد متعه، موضعگیری شخصی او است و این نظریه را خود او انتخاب کرده است و هیچ سخنی از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در آن نیست.

اجتهادی که عمر در این بحث، در مورد تحریم متعه بیان داشته کامل نیست و بطلان آن روشن است. او ادعا می کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در زمان ضرورت، آن را حلال نمود، حال می پرسیم: اگر متعه هنگام ضرورت مباح است، پس چرا آن را مطلقاً حرام و ممنوع اعلام کرد و بجا آورنده آن را تهدید به کیفر و عقاب نمود و آن را به «ضرورت» مقید نکرد؟ با این که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن را در سفرهای خود مباح کرد و «سفر»، یک چیز است و «ضرورت» چیزی دیگر؟!

ص: ۳۴

نکته سوّم: موضعگیری صحابه و تابعین درباره ازدواج موقت

دلیل دیگری که دلالت بر عدم نسخ آیه «متعه» دارد، این است که: تا زمان پیدایش مذاهب چهارگانه در قرنهای سوّم و چهارم، عمل به ازدواج موقت از نظر صحابه، تابعین و فقها مشهور بوده است.

شاهد براین مطلب روایتی است که بخاری و مسلم در کتابهای خود از سلمه بن اکوع، جابر بن عبد الله انصاری، عبد الله بن مسعود، ابن عباس، سبره بن معبد، ابوذر غفاری، عمران بن حصین و اکوع بن عبدالله اسلمی روایت کرده اند (۱).

مسلم در باب «نکاح متعه» تعدادی روایت از جابر بن عبدالله و ابی زبیر آورده است که آن دو، در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ابو بکر، به متعه عمل نمودند تا این که عمر بن خطاب آن را ممنوع کرد.

در صحیح بخاری آمده است که:

«عمران بن حصین گفت: آیه متعه در کتاب خدا نازل شد و ما آن را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام دادیم و قرآن پس از آن، چیزی را که آن را تحریم نماید، نازل نفرمود و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از آن منع نکرد

ص: ۳۵

۱- (۱) - ر. ک: صحیح مسلم با شرح نووی: ۱۸۹/۹ - ۱۷۹؛ صحیح بخاری کتاب التفسیر باب ۳۳ / ح ۴۱۵۶؛ کتاب النکاح باب ۳۲ / ح ۴۷۲۴؛ کتاب الاعتصام باب ۲۸ / ح ۶۸۱۹..

تا این که رحلت نمود، پس از آن مردی طبق نظر خودش هر چه خواست، گفت» (۱).

از این بالاتر، جمعی از بزرگان صحابه مثل امام علی (علیه السلام)، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عمر و عبدالله بن مسعود در مقابل تحریم متعه ایستادگی کردند.

در قرن اول و دوم هجری، برخی از علمای اهل سنت، در مورد متعه فتوا داده و بدان عمل کرده اند که از آن جمله عبد الملک بن جریح (متوفای سال ۱۴۹ هـ - ق.) است.

ابن حزم در المحلی می گوید:

«جمعی از گذشتگان از صحابه بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بر حلال بودن متعه ثابت قدم ماندند که از آن جمله: اسما دختر ابی بکر، جابر بن عبدالله انصاری، ابن مسعود، ابن عباس، معاویه بن ابی سفیان، عمرو بن حریث، ابو سعید خدری، سلمه و معبد پسران امیه بن خلف می باشند. جابر بن عبدالله انصاری حلال بودن آن را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و زمان ابو بکر و عمر تا اواخر خلافت عمر... از همه صحابه روایت کرده است.

از تابعین نیز طاووس، عطاء، سعید بن جبیر و سایر فقهای مکه [بر این نظر] می باشند» (۲).

ص: ۳۶

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۳۴۸/۶ / باب ۲۳۳.

۲- (۲) - المحلی: ۵۲۰ / ۹ - ۵۱۲ ..

جمعی از صحابه و تابعین آنان که از قایلان به حلال بودن وعدم نسخ آیه متعه هستند، عبارتند از:

- ۱ - عمران بن حصین. ۲ - عبدالله بن عمر.
- ۳ - سلمه بن امیه. ۴ - معبد بن امیه.
- ۵ - زبیر بن عوام. ۶ - خالد بن مهاجر.
- ۷ - ابی بن کعب. ۸ - ربیعہ بن امیه
- ۹ - سمیر - دراصابه - شایدسمره بن جندب. ۱۰ - سُدی
- ۱۱ - مجاهد. ۱۲ - ابن اوس مدنی.
- ۱۳ - انس بن مالک. ۱۴ - معاویه بن ابی سفیان.
- ۱۵ - ابن جریح. ۱۶ - نافع.
- ۱۷ - حبیب بن ابی ثابت. ۱۸ - حکم بن عتیبه.
- ۱۹ - جابر بن یزید. ۲۰ - براء بن عازب.
- ۲۱ - سهل بن سعد. ۲۲ - مغیره بن شعبه.
- ۲۳ - سلمه بن أکوع. ۲۴ - زید بن ثابت.
- ۲۵ - خالد بن عبدالله انصاری. ۲۶ - یعلی بن امیه
- ۲۷ - صفوان بن امیه. ۲۸ - عمرو بن حوشب.
- ۲۹ - عمرو بن دینار. ۳۰ - ابن جریر.
- ۳۱ - سعید بن حبیب. ۳۲ - ابراهیم نخعی.
- ۳۳ - حسن بصری. ۳۴ - ابن مسیب.
- ۳۵ - اعمش. ۳۶ - ربیع بن میسرہ

۳۷- ابو زهری مطرف. ۳۸- مالک بن انس.

۳۹- احمد بن حنبل در برخی از حالات. ۴۰- ابو حنیفه در برخی از وجوه (۱).

علاوه بر همه اینها افرادی مثل ابی عمرو گفته اند:

«همه اصحاب ابن عباس از اهل مکه و یمن، متعه را حلال می دانستند.» (۲)

قرطبی در تفسیر خود گفته است:

«اهل مکه خیلی بدان عمل می کردند.» (۳)

وفخر رازی در تفسیرش ذیل آیه متعه نوشته است:

قاطبه آن مردم گفتند: متعه همچنان که مباح بود، مباح باقی ماند.» (۴)

ابو حیان در تفسیرش بعد از نقل حدیث مباح بودن متعه گفته است:

«جمعی از اهل بیت و تابعین، بر این رأی هستند.» (۵)

ص: ۳۸

۱- (۱) - ر. ک: الغدیر: ۶ / ۲۲۰؛ الزواج الموقت فی الإسلام: ۱۲۳؛ المتعه، نویسنده فکیکی و الاحکام الشرعیه فی الاحوال الشخصیه: ۱ / ۲۸.

۲- (۲) - نیل الاوطار، شوکانی: ۲۷۲/۶.

۳- (۳) - تفسیر قرطبی: ۱۳۲/۵.

۴- (۴) - التفسیر الکبیر: ۲۰۰/۳.

۵- (۵) - ر. ک: الغدیر: ۶ / ۲۲۲ به نقل از الاستیعاب و....

برای مطالعه بیشتر از نظر فقهی، تاریخی و حدیثی، مراجعه کنید به: معالم المدرستین علامه عسکری: جلد ۲ / صفحه ۲۴۲ - ۲۸۰.

برفرض، این ادعا صحیح باشد که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را تحریم نموده است، باید گفت که آن از قبیل حکم حکومتی ولایی موقت است، نه از قبیل تشریح دائمی. نمونه چنین حکمهایی در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیده شده است؛ مثل: حرام کردن گوشت دراز گوشهای اهلی در سال فتح خیبر که آن نهی، منع حکومتی بوده نه تحریم شرعی دائمی.

برفرض که ادعای نسخ و حرمت متعه را بپذیریم و حال اگر فرض کنیم که دو زوج برای ازدواج اتفاق نمایند و نیز از ابتدا در نظر داشته باشند که پس از مدتی به وسیله طلاق از یکدیگر جدا شوند، حکم این رابطه چیست؟

آیا می توان حکم نمود که این ازدواج، زنا و حرام است؟! یا این که به جواز آن حکم می شود؟ اگر بگوییم: حرام است، ادعایی بدون دلیل می باشد، اما گرایش به جواز آن، مطابق با رأی صحیح؛ یعنی مذهب اهل بیت (علیه السلام) است.

آیا متعه همان زنا است؟!

اما ادعای این که متعه، زنا و یا شبیه زناست، گزافه گویی بزرگی است حتی اگر بگوییم که این حکم، نسخ شده است. مفهوم

این سخن این است که: شارع مقدّس، ابتدا زنا را مباح دانسته و سپس آن را تحریم کرده است! آیا هیچ مسلمانی آن را می پذیرد؟!

قبلاً گذشت که ازدواج موقت، مثل ازدواج دائم، دارای شرایط و قیودی است، مانند: عقد، مهر، وقت معین، عقل، بلوغ، نبودن مانع شرعی (از قبیل وابستگی نسبی، یا سببی، یا شیر خواری و غیر ذلک...).

ولی در زنا، نه عقدی وجود دارد، نه فرزند به پدرش می رسد و نه از او ارث می برد و نه رابطه زناشویی هست و نه عده ای بر آن مقرّر شده است؟! بنابراین، «متعّه» را مشابه «زنا» جلوه دادن، ادّعایی باطل و گوینده آن، شخصی بی منطق و اهل جدل است.

آری، شاید بتوان گفت که «ازدواج موقت»، حکمی شرعی است که مورد سوء استفاده افرادی پست و بیمار دل قرار می گیرد.

در جواب می توان گفت: دنیا پر از مسائل مثبتی است که مورد سوء استفاده افراد بدطینت قرار می گیرد که راه حلّ این موارد، تحریم آن مسائل نیست بلکه برای حلّ آن باید راهکارهایی پیدا کرد تا بین این مسائل و بین سوء استفاده از آن فاصله ایجاد شود؛ بنابراین، حاکم اسلامی، می تواند برای نجات این حکم شرعی از چنگال سوء استفاده کنندگان، شرایطی در تأیید حکم ازدواج موقت تصویب کند.

روشن شد که آنچه قرآن کریم و سنت شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نصوص صحابه و تابعین بر آن تصریح دارند، عبارت است از: اجماع بر تشریح ازدواج موقت و ثابت نشدن نسخ از نظر بسیاری از صحابه و تابعین، مخصوصاً اهل بیت طاهرین (علیهم السلام) علی و فرزندانش ائمه معصومین (علیهم السلام) و فقهای پیرو آنان، نسلی بعد از نسل دیگر.

پس بنا به تصریح کتاب و سنت، «ازدواج موقت» در شریعت اسلامی مثل ازدواج دائم، شرعی است، ولی در بعضی از احکام، با آن فرق دارد.

و آنچه از عمر بن خطاب نقل شده برای اثبات ادعای نسخ کافی نیست؛ همچنان که تنی چند از صحابه و تابعین بدان اعتراف کرده اند.

(وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

